




فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۶، دوره ۲۹، پاییز ۱۴۰۴، ۷۱-۹۵

آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران از منظر حسابداری و گزارشگری مالی

سیدعباس برهانی ***  ID

مژگان صفا**  ID

بهار ذاکری*  ID

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

تعهد ارزی/ استانداردگذاری/ حسابداری/ گزارشگری مالی

چکیده

در سال‌های اخیر، سیاست رفع تعهد ارزی به‌عنوان ابزار کنترلی بانک مرکزی برای مدیریت منابع ارزی کشور در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، فقدان استانداردهای شفاف حسابداری و عدم انسجام نهادی در اجرای این فرآیند، چالش‌های متعددی را برای شرکت‌های صادرکننده، حساب‌رسان و نهادهای ناظر به‌وجود آورده است. این چالش‌ها منجر به کاهش شفافیت، کاهش قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی و تضعیف کارایی سیاست‌های ارزی شده‌اند. لذا هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه حسابداری، حسابرسی و سیاست‌گذاری مالی، گردآوری و با تکنیک کُدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده‌اند. خبرگان مصاحبه شونده ۱۶ نفر می‌باشند که به روش گلوله برفی انتخاب

b.zakeri@iau.ac.ir

dr.mojgansafa@iau.ac.ir

sa.sborhani1352@iau.ac.ir

*. گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

** گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.


*** گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

■ مژگان صفا، نویسنده مسئول


شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که فرآیند رفع تعهد ارزی با پنج تم اصلی مواجه است: ضعف چارچوب نظری و مقرراتی، ناهماهنگی نهادی و تضاد بین سازمانی، ناکارآمدی در گزارشگری مالی، چالش‌های اجرایی و ساختاری، کاستی در آموزش و توانمندسازی حرفه‌ای. هر یک از این تم‌ها با مجموعه‌ای از گُدهای محوری و مفهومی حمایت شده و به تبیین ریشه‌های ناکارآمدی استانداردهای گرداری می‌پردازند. وجود خلاء جدی در حوزه استانداردهای حسابداری مرتبط با رفع تعهد ارزی و تعارضات بین بخشی، ضرورت بازنگری در نظام نظارتی و تدوین استانداردهای خاص در این حوزه را آشکار می‌کند. یکی از نتایج اجرایی مهم در این راستا ضرورت تدوین یک استاندارد اختصاصی برای رفع تعهد ارزی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نبود یک استاندارد حسابداری مستقل و شفاف در این زمینه منجر به برداشت‌های متفاوت شرکت‌ها و حساب‌برسان شده است و سازمان حسابرسی و هیات تدوین استانداردهای حسابداری باید با همکاری بانک مرکزی، یک استاندارد ملی در حوزه رفع تعهد ارزی تدوین کنند و این استاندارد باید به صراحت روش‌های تسعیر ارز، زمان شناسایی درآمد و افشای کامل فرآیند بازگشت ارز صادراتی را مشخص نماید.


طبقه‌بندی JEL: M21, M40, M41, M42, M48


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2025.2066089.4166>

A Pathology of the Standardization Process for Eliminating Foreign Exchange Obligations in Iran: An Accounting and Financial Reporting Perspective

Bahar Zakeri, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. 

Mojgan Safa, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author) 

Seyyed Abbas Borhani, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. 

Received: 16 Jul. 2025

Revised: 1 Sep. 2025

Accepted: 13 Sep. 2025

Currency Commitment/ Standardization/ Accounting/ Financial Reporting

In recent years, the Central Bank of Iran has adopted the policy of eliminating foreign exchange commitments as a measure to control and manage the country's foreign currency resources. However, the absence of transparent accounting standards and institutional coherence in implementing this policy has created multiple challenges for exporting companies, auditors, and supervisory bodies. These challenges have led to reduced transparency, weakened comparability of financial reports, and diminished effectiveness of currency policies. Therefore, the purpose of this study is to diagnose the challenges and shortcomings of the standardization process of eliminating foreign exchange commitments in Iran. The study was conducted with a qualitative approach using thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 16 experts in accounting, auditing, and financial policymaking, selected using a snowball sampling method. The analysis was performed through open, axial, and selective coding. The findings indicate that the process of eliminating foreign exchange commitments faces five main themes: weak theoretical and regulatory framework, institutional inconsistencies and inter-organizational conflicts, inefficiencies in financial reporting, structural and operational challenges, and shortcomings in professional training and capacity building. Each theme is supported by axial and conceptual codes that reveal the root causes of inefficiency in standardization. The existence of serious gaps in accounting standards related to foreign exchange commitments, together with inter-sectoral conflicts, highlights the urgent need to reform the regulatory framework and develop specific standards in this field. A significant practical implication of this research is the necessity of designing a dedicated accounting standard for eliminating foreign exchange commitments. The findings further show that the absence of such a standard has led to inconsistent interpretations by companies and auditors. Therefore, the Auditing Organization and the Accounting Standards Board, in cooperation with the Central Bank, must develop a national standard that explicitly addresses foreign currency translation methods, timing of revenue recognition, and full disclosure of the repatriation of export proceeds.

1. dr.mojgansafa@iau.ac.ir

JEL Classification: M21, M40, M41, M42, M48

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

۱. مقدمه

سیاست‌های ارزی در زمره مهمترین سیاست‌های اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود. سیاست‌های اتخاذی هر دولت در زمینه ارز، برای حفظ موازنه ارزی آن کشور است؛ دولت‌ها از این طریق، در دخل و خرج خارجی کشور، ایجاد تعادل و توازن می‌نمایند. بخش عمده‌ای از چالش‌های شرکت‌های صادرکننده در ایران ناشی از ابهام در انعکاس رفع تعهد ارزی در صورت‌های مالی و نبود هماهنگی میان بخشنامه‌های ارزی و استانداردهای حسابداری است. این موضوع به کاهش شفافیت، تضعیف اعتماد ذی‌نفعان و پیچیدگی در ارزیابی عملکرد مالی بنگاه‌ها منجر شده است. اثر تغییرات نرخ ارز بر زنجیره قیمت‌ها یکی از مباحث بحث‌برانگیز اقتصادی است که هم‌اکنون توجه محافل اقتصادی کشور را به خود جلب کرده است.^۱ سیاست‌های ارزی می‌توانند اثرات قابل توجهی بر گزارشگری مالی شرکت‌ها داشته باشند. این اثرات عمدتاً از طریق تغییرات در نرخ ارز، تورم و مقررات دولتی مرتبط با ارز ایجاد می‌شوند.^۲ در سال‌های اخیر، تحولات ژئوپلیتیکی، تحریم‌های اقتصادی، و نوسانات شدید نرخ ارز، محیط اقتصادی ایران را به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی و بازگشت ارز حاصل از صادرات با چالش‌هایی جدی مواجه کرده است. در پاسخ به این شرایط، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سیاست «رفع تعهد ارزی» را به‌عنوان یکی از ابزارهای نظارتی و کنترلی در دستور کار قرار داده است. این سیاست صادرکنندگان را ملزم می‌سازد تا ارز حاصل از صادرات خود را ظرف مدت معین و از طریق مسیرهای تعیین شده به کشور بازگردانند.^۳ اگرچه هدف این سیاست، تأمین ارز مورد نیاز کشور و مقابله با التهابات ارزی بوده است، شواهد حاکی از آن است که فرآیند اجرایی و گزارشگری مرتبط با رفع تعهد ارزی با ابهامات جدی همراه بوده و به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در حسابداری شرکت‌های صادرات‌محور تبدیل شده است.^۴ نبود استاندارد مشخص حسابداری درخصوص نحوه شناسایی، تسعیر و افشای عملیات ارزی و بازگشت ارز صادراتی، باعث شده شرکت‌ها از رویه‌های متنوع و گاه ناسازگار استفاده کنند که این موضوع، شفافیت و قابلیت

۱. شیرعالی و همکاران، ۱۴۰۱

۲. حیدری و احمدزاده، ۱۳۹۴

۳. حاجی‌رضایی و همکاران، ۱۴۰۳

۴. بانک مرکزی، ۱۴۰۲

۵. کاویانی و همکاران، ۱۴۰۳

مقایسه گزارش‌های مالی را با خدشه مواجه ساخته است.^۱

علاوه بر این، بخشنامه‌های متعدد و گاه متناقض بانک مرکزی در حوزه رفع تعهد ارزی، تضادهایی با اصول و استانداردهای حسابداری رایج ایجاد کرده که منجر به سردرگمی مدیران مالی، حسابرسان و نهادهای ناظر شده است. نبود سامانه‌های یکپارچه، ضعف در زیرساخت‌های اطلاعاتی و فقدان آموزش‌های تخصصی در حوزه حسابداری ارزی نیز از جمله موانع دیگر در مسیر اجرای مؤثر این فرآیند هستند، گزارش فدراسیون بین‌المللی حسابداران تأکید می‌کند که در اقتصادهای پرتلاطم، تنها با استانداردهای شفاف، تقویت گزارشگری و هماهنگی نهادی می‌توان کیفیت اطلاعات مالی و پاسخگویی سازمان‌ها را تضمین کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران، زمینه اصلاح ساختارهای گزارشگری مالی و ارتقای کارآمدی سیاست‌های ارزی را فراهم آورد.^۲ با توجه به اهمیت فزاینده موضوع و ضرورت بازنگری در نظام استانداردگذاری مرتبط با رفع تعهد ارزی، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و تحلیل تماتیک، درصدد است تا با گردآوری دیدگاه‌های خبرگان مالی، حسابرسان و سیاست‌گذاران، به آسیب‌شناسی دقیق وضعیت موجود پرداخته و راه‌کارهای اصلاحی مؤثر و اجرایی ارائه دهد.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه برخی مطالعات داخلی به موضوع حسابداری ارزی و آثار آن بر گزارشگری مالی^۳، بیشتر این تحقیقات عمدتاً بر پیامدهای اقتصادی رفع تعهد ارزی یا چالش‌های فنی حسابداری معاملات ارزی متمرکز بوده‌اند و کمتر به فرآیند استانداردگذاری و نقش نهادهای تنظیم‌گر در ایجاد یا رفع این چالش‌ها پرداخته‌اند. همچنین، در سطح بین‌المللی نیز هرچند گزارش‌هایی^۴ بر اهمیت شفافیت گزارشگری در شرایط بی‌ثبات اقتصادی تأکید دارند، اما کاربرد این یافته‌ها در بستر خاص ایران، با وجود نظام ارزی چندگانه و محدودیت‌های تحریمی، کمتر بررسی شده است. از این منظر، پژوهش حاضر می‌کوشد این کاستی‌ها را پوشش دهد؛ به این معنا که با تمرکز بر آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی، به بررسی هم‌زمان چالش‌های فنی حسابداری و نارسایی‌های نهادی و مقرراتی

۱. میرزایی و سعیدی، ۲۰۲۳

۲. فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۲۳

۳. حسن زاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ خیراله پورسرائی و همکاران، ۱۴۰۰

۴. فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۲۳

می‌پردازد. نوآوری اصلی این تحقیق در آن است که ضمن شناسایی شکاف‌های موجود در تعامل بین بانک مرکزی، سازمان حسابرسی و سایر نهادهای مالی، راه‌کارهای اصلاحی مبتنی بر نظریه‌های حسابداری و گزارشگری مالی ارائه می‌کند. به این ترتیب، نتایج آن می‌تواند هم برای سیاست‌گذاران و هم برای حرفه حسابداری در ایران کاربردی باشد. سازمان‌دهی مقاله در ادامه به این صورت است: در بخش مبانی نظری ابتدا به رفع تعهد ارزی و ضرورت‌های استانداردسازی آن پرداخته می‌شود و سپس تئوری‌های مرتبط با آن مطرح می‌گردد و در ادامه این بخش پیشینه‌های مرتبط داخلی و بین‌المللی مرور می‌شوند. در بخش روش‌شناسی پژوهش به ماهیت، رویکرد و راهبردهای اصلی پژوهش پرداخته شد و تکنیک تحلیل کیفی (تحلیل تم) و کمی (تکنیک فازی) استفاده شده در پژوهش مورد تشریح قرار گرفت و ابزار گردآوری اطلاعات و مشخصات جامعه آماری بیان گردید. در بخش یافته‌ها نسبت به طبقه‌بندی اطلاعات به دست آمده اقدام شد و پس از آن با استفاده از تکنیک فازی به غربالگری و وزن‌دهی یافته‌ها و مضامین به دست آمده پرداخته شد و در نهایت نیز نسبت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری حاصل از پژوهش اقدامات لازم صورت پذیرفت و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران در زمینه رفع تعهد ارزی و پژوهشی برای استفاده محققین ارائه شد.

۲. مبانی نظری

رفع تعهد ارزی و ضرورت‌های استانداردسازی آن

رفع تعهدات ارزی صادرات یا همان بازگرداندن ارز به چرخه اقتصادی کشور است و بر اساس بخشنامه رفع تعهد ارزی، از طریق روش‌های مختلفی، قابل انجام است. تغییرات نرخ ارز تأثیر قابل توجهی بر سود و زیان شرکت‌های صادراتی دارد. این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد و به عوامل مختلفی از جمله نوع محصول صادر شده، ساختار هزینه شرکت، و سیاست‌های تجاری کشور صادرکننده و واردکننده بستگی دارد^۱. حسابداری معاملات ارزی با چالش‌هایی از جمله نوسانات نرخ ارز، طبقه‌بندی و ارزیابی دارایی‌های ارزی، و محاسبه و گزارش‌دهی مالیاتی همراه است^۲. استانداردسازی حسابداری یک فرآیند نهادی برای تدوین اصول و قواعدی است

۱. راعی و همکاران، ۱۳۹۶.

۲. کاویانی و همکاران، ۱۴۰۳.

که تهیه، ارائه و افشای اطلاعات مالی را هدایت می‌کند. این فرآیند تا حد زیادی به عوامل اقتصادی، حقوقی، نهادی و فرهنگی کشور وابسته است. به ویژه در محیط‌هایی با نوسانات شدید اقتصادی مانند ایران، استانداردسازی باید با شرایط خاص تطبیق داده شود و نهادهای قانونی مانند سازمان حسابداری، بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار باید در هماهنگی کامل عمل کنند^۱. انگیزه اصلی ارتکاب تخلفات در زمینه رفع تعهد ارزی از سوی عده‌ای از واردکنندگان و صادرکنندگان از جمله اینکه برخی واردکنندگان با ارائه فاکتور به قیمت غیرواقعی، زمینه دریافت ارز به نرخ رسمی را در خارج از کشور برای خود فراهم می‌سازند و سپس ارزهای مازاد بر ارزش واقعی کالا را در بازار غیررسمی ارز به فروش می‌رسانند و یا برخی صادرکنندگان، در زمان ارائه کوتاژهای صادراتی خود، با قیمت غیرواقعی، زمینه تعهد کمتر بابت برگشت ارز حاصل از صادرات را برای خود فراهم می‌آورند و سپس ارزهای مازاد بر ارزش واقعی کالا را در بازار غیررسمی ارز به فروش می‌رسانند. بنابراین کنترل واردکننده و صادرکننده در دریافت ارز یا پرداخت ارز به ایشان را ناگزیر نموده است^۲. برای موثر و موفق بودن سیاست‌های ارزی بانک مرکزی نیازمند پارامترهای متعددی است که از جمله آن‌ها افزایش اعتماد و مشارکت داخلی و خارجی در امر سرمایه‌گذاری اقتصادی، بهبود عوامل پولی و بودجه‌ای و رشد صادرات است^۳. علاوه بر آن فقدان یک استاندارد مشخص و جامع برای رفع تعهدات ارزی، یک خلاء اساسی در معماری مقررات مالی است. نرخ‌های ارزی چندگانه، حسابداری معاملات ارزی را پیچیده و مستعد تفسیر نادرست می‌کند. نبود ساختار استاندارد برای گزارش‌دهی این فرآیند، حسابداران و حسابرسان را در نحوه ثبت آن با ابهام مواجه می‌کند. این شکاف می‌تواند منجر به تضعیف قابلیت اتکای گزارش‌های مالی شود.

بررسی تطبیقی ضرورت استانداردگذاری رفع تعهد ارزی نشان می‌دهد که در کشور ترکیه، فرآیند تطبیق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۴ از سال ۲۰۰۵ آغاز شد. تریزی و همکاران^۵ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که این تغییرات باعث افزایش شفافیت، قابلیت مقایسه و کیفیت

۱. زف، ۲۰۰۲.

۲. شیرعالی و همکاران، ۱۴۰۱.

۳. حاجی‌رضایی و همکاران، ۱۴۰۳.

4. IFRS

5. Terzi et al

اطلاعات مالی شرکت‌های فعال در بورس استانبول شده است. در نیجریه، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مطلوبی بر ارتباط بین اطلاعات حسابداری و قیمت سهام داشته است. ایگهوس^۱ (۲۰۲۲) گزارش کرده است که داده‌های حسابداری بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارای ارزش بیشتر در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بوده است؛ یعنی استانداردهای بین‌المللی باعث تقویت آثار مالی و کاربرد اطلاعات حسابداری شده است.

یافته‌های تطابق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با سیاست‌های ارزی کشوری مثل ایران، به‌ویژه در حوزه ثبت و گزارشگری رفع تعهد ارزی، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای مثبت مورد استفاده قرار گیرد، محیطی که الزام به استاندارد واحد، منجر به انسجام رویه‌های حسابداری و کاهش ابهام می‌شود. آنگونه که پژوهش ایگهوس (۲۰۲۲) تأیید می‌کند که استانداردگذاری معتبر، می‌تواند به افزایش اعتماد ذی‌نفعان کمک کرده و ارزش اطلاعاتی گزارش‌ها را افزایش دهد؛ استانداردگذاری در زمینه رفع تعهد ارزی ایران می‌تواند الهم‌بخش افزایش اعتماد ذی‌نفعان باشد.

تئوری‌های مرتبط با استانداردسازی رفع تعهد ارزی

نوسانات شدید ارزی و تحریم‌های اقتصادی در کشور سبب می‌گردد تا اطلاعات مالی نیازمند شفافیت و دقت بیشتری باشد. نوسانات نرخ ارز تأثیرات گسترده‌ای بر هزینه‌های تولید، عملکرد مالی و رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت‌ها دارند و به تبع آن، قیمت سهام شرکت‌های صادراتی و وارداتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد^۲. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در چنین شرایطی، شرکت‌ها با چالش‌هایی مانند کاهش اتکا به نرخ‌های بازار، استفاده از مفروضات ذهنی و عدم انطباق بین گزارشگری مالی و مقررات پولی مواجه هستند^۳. توسعه ظرفیت‌های حرفه‌ای در حوزه حسابداری رفع تعهد ارزی نیازمند مشارکت جدی نهادهایی مانند جامعه حسابداران رسمی، انجمن حسابداری ایران و دانشگاه‌ها است. از آنجائیکه نرخ ارز به عنوان یکی از متغیرهای اصلی در اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته شناخته می‌شود، شفافیت در موضوع رفع تعهد

1. Igbosewe

۲. مرادی و احمدی، ۱۴۰۳

۳. جعفری و حیدری، ۱۴۰۲

ارزی می‌تواند دقت و اثربخشی گزارشگری را در این مورد بهبود بخشد^۱. ماهیت رفع تعهد ارزی و استانداردسازی آن از جنبه‌های گوناگونی با اهداف و آرمان‌های تئوری‌های متعددی همسو است، در ادامه به برخی از آن‌ها به صورت مختصر اشاره می‌شود:

نظریه نمایندگی^۲: منطبق با این تئوری، تضاد منافع بین مدیریت و سهامداران ممکن است منجر به مدیریت سود یا پنهان کردن حقایق در فرآیند رفع تعهد ارزی شود، این موضوع در زمانی که عدم اطمینان در مورد نرخ ارز وجود دارد، افزایش پیدا می‌کند. مکانیسم اثرگذاری نظریه نمایندگی در پژوهش حاضر: در زمینه رفع تعهد ارزی، تضاد نمایندگی می‌تواند به اشکال مختلف بروز یابد: مدیران ممکن است در انتخاب نرخ تسعیر ارز (بازار آزاد، نیمایی یا رسمی) به‌گونه‌ای عمل کنند که سود گزارش شده شرکت بیشتر یا کمتر از واقعیت باشد. در شرایط نبود استاندارد مشخص، مدیران می‌توانند با تأخیر یا تسریع در ثبت بازگشت ارز صادراتی، نتایج عملکرد مالی را به‌طور مصنوعی تغییر دهند. عدم افشای شفاف درباره نحوه ایفای تعهد ارزی، باعث نابرابری اطلاعاتی میان سهامداران و مدیران می‌شود. بنابراین، خلاء استانداردگذاری در رفع تعهد ارزی به‌طور مستقیم موجب افزایش هزینه‌های نمایندگی و کاهش شفافیت در گزارشگری مالی می‌گردد. مثال کاربردی: فرض کنید یک شرکت صادرکننده ایرانی ۱۰ میلیون دلار صادرات انجام داده و ارز حاصل را با تأخیر به سامانه نیما عرضه کند. مدیران می‌توانند در صورت‌های مالی این ارز را به نرخ رسمی ثبت کنند، در حالی که ارزش واقعی آن در بازار آزاد بسیار بالاتر است. این اقدام ممکن است به صورت موقت سود یا زیان شرکت را به‌گونه‌ای دستکاری کند که تصویر واقعی فعالیت اقتصادی منعکس نشود. در چنین شرایطی، نبود یک استاندارد مشخص برای رفع تعهد ارزی، به مدیران امکان مدیریت سود و تحریف اطلاعات مالی را می‌دهد که نمونه بارز بروز تضاد نمایندگی است.

نظریه تنظیم‌گری^۳: این نظریه تأکید دارد که وجود نهادهای نظارتی قوی و مقررات منسجم برای کنترل و هدایت رفتارهای اقتصادی ضروری است. فقدان استانداردهایی برای حذف تعهدات ارزی، ضعف نظارتی را آشکار می‌کند. مکانیسم اثرگذاری نظریه تنظیم‌گری در

۱. قزلباش و زمانی، ۱۴۰۱

۲. جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶

۳. پوزنر، ۱۹۷۴

پژوهش حاضر: در موضوع رفع تعهد ارزی در ایران، نقش نهادهای تنظیم‌گر (مانند بانک مرکزی و سازمان حسابرسی) بسیار حیاتی است. بر اساس نظریه تنظیم‌گری: نهادهای تنظیم‌گر باید استانداردهای شفاف حسابداری و گزارشگری برای نحوه ثبت و افشای ارز صادراتی تدوین کنند. تنظیم‌گری می‌تواند ابهامات ناشی از وجود نرخ‌های چندگانه ارز را کاهش داده و به یکسان‌سازی رویه‌ها کمک کند. مقررات کارآمد باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سهامداران می‌شود و اعتماد بازار را تقویت می‌کند. مثال کاربردی: فرض کنید دو شرکت صادرکننده مشابه، ارز حاصل از صادرات خود را به دو روش مختلف ثبت کنند: یکی بر اساس نرخ بازار آزاد و دیگری بر اساس نرخ نیما. نبود دستورالعمل واحد، باعث می‌شود مقایسه عملکرد این شرکت‌ها غیرممکن شود و سهامداران نتوانند تصمیم درستی بگیرند. اگر بانک مرکزی و سازمان حسابرسی با رویکرد تنظیم‌گری هماهنگ، یک استاندارد الزام‌آور تدوین کنند، این عدم انسجام برطرف شده و شفافیت و قابلیت مقایسه افزایش خواهد یافت.

نظریه ذینفعان! همه فعالان اقتصادی (دولت، شرکت‌ها، بانک‌ها، سرمایه‌گذاران، حسابرسان) در فرآیند رفع تعهدات ارزی ذینفع محسوب می‌شوند و عدم شفافیت در استانداردها می‌تواند منافع آنها را با خطر مواجه سازد. مکانیسم اثرگذاری نظریه ذینفعان در پژوهش حاضر: در موضوع رفع تعهد ارزی، طیف وسیعی از ذی‌نفعان تحت تأثیر قرار می‌گیرند: بانک مرکزی و دولت: برای کنترل جریان‌های ارزی و سیاست‌گذاری کلان. سرمایه‌گذاران و سهامداران: برای ارزیابی عملکرد واقعی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری مالی. شرکت‌های صادرکننده: برای ایفای تعهدات ارزی و انعکاس صحیح آن در صورت‌های مالی. جامعه و اقتصاد ملی: برای دسترسی به منابع ارزی و ثبات اقتصادی. طبق نظریه ذی‌نفعان، اگر استانداردگذاری مشخصی برای رفع تعهد ارزی وجود نداشته باشد، گروه‌های مختلف با منافع متضاد دچار ابهام و بی‌اعتمادی می‌شوند. بنابراین، استانداردگذاری شفاف و هماهنگ، ابزاری برای ایجاد توازن میان منافع این ذی‌نفعان است. مثال کاربردی: فرض کنید یک شرکت صادرکننده ارز حاصل از صادرات خود را در زمان مقرر به سامانه نیما عرضه نکند، دولت و بانک مرکزی از این اقدام متضرر می‌شوند چون منابع ارزی کشور کاهش می‌یابد. سهامداران نیز با ابهام در گزارشگری مالی و شفافیت عملکرد مواجه می‌شوند. در نهایت جامعه نیز به دلیل فشار بر بازار ارز آسیب می‌بیند. اگر استاندارد حسابداری

مشخص و الزام‌آور برای افشای دقیق فرآیند رفع تعهد ارزی وجود داشته باشد، همه این گروه‌ها از شفافیت و اعتماد بیشتر بهره‌مند خواهند شد.

با توجه به ادبیات نظری، می‌توان گفت که مسئله رفع تعهد ارزی در ایران از سه منظر قابل تبیین است: نخست، نظریه نمایندگی نشان می‌دهد که نبود استانداردهای شفاف موجب افزایش هزینه‌های نمایندگی و فرصت‌طلبی مدیران در انعکاس معاملات ارزی می‌شود. دوم، نظریه تنظیم‌گری بر ضرورت دخالت نهادهای حاکمیتی برای تدوین و اجرای استانداردهای الزام‌آور تأکید دارد تا از ابهام و عدم تقارن اطلاعاتی جلوگیری شود. سوم، نظریه ذی‌نفعان نشان می‌دهد که رفع تعهد ارزی و استانداردگذاری آن نه تنها بر سهامداران، بلکه بر مجموعه‌ای گسترده از ذی‌نفعان از جمله دولت، سرمایه‌گذاران و جامعه اثرگذار است. بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است که با تلفیق این سه رویکرد نظری، چارچوبی جامع برای آسیب‌شناسی و اصلاح فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

مرادی و احمدی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان "تاثیر تغییرات نرخ ارز بر عملکرد شرکت‌های صادراتی و وارداتی" دریافته‌اند که بروز تکانه مثبت نرخ ارز به اندازه یک انحراف معیار، تاثیر مثبت و معناداری بر قیمت سهام شرکت‌های صادراتی و وارداتی دارد. تکانه مثبت نرخ ارز موجب تقویت قدرت رقابتی شرکت‌های صادراتی می‌شود. افزایش قدرت رقابت باعث افزایش میزان صادرات کالا و خدمات می‌گردد که نتیجه آن افزایش درآمدهای ارزی کشور است. حاجی‌رضایی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی اثرات متقابل سیاست‌های ارزی بانک مرکزی (نرخ ارز) بر متغیرهای کلان اقتصادی با رویکرد تحلیل دینامیکی" دریافته‌اند که با بهبود هرچه بیشتر عوامل اقتصادی، زیرمؤلفه‌های آن بهبود یافته که این سبب افزایش کارایی و اثربخشی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی می‌شود و این به صورت یک چرخه پویا در طول زمان ادامه خواهد یافت.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، کیفی و از نظر هدف، کاربردی-تحلیلی است. رویکرد اصلی پژوهش استقرایی است و به جای آزمون فرضیه‌های ازیپیش ساخته، از طریق گردآوری داده‌های میدانی و تفسیر آن‌ها، مفاهیم و الگوهای مفهومی پیرامون استانداردگذاری رفع تعهد ارزی را در ایران تبیین می‌کند. این پژوهش از دو راهبرد اصلی در اجرای پژوهش بهره می‌برد:

تحلیل تم: نخست با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون، به تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان جامعه آماری می‌پردازد. در این مرحله مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با حسابداران رسمی، اعضای کمیته تدوین استانداردها، مدیران مالی شرکت‌های صادرکننده و کارشناسان بانک مرکزی انجام شد. تکنیک انتخاب خبرگان مصاحبه‌شونده، تکنیک گلوله برفی بوده و انجام مصاحبه تا رسیدن به مرز اشباع ادامه یافت. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان مصاحبه شونده در جدول (۱) به نمایش درآمده است. معیارهای اصلی انتخاب نمونه جامعه آماری تحقیق در هر دو حوزه خبرگان دانشگاهی و خبرگان حرفه‌ای، تسلط بر موضوع رفع تعهد ارزی شرکت‌های صادراتی و فرآیندها و چالش‌های گزارشگری آن می‌باشد. به منظور انجام مصاحبه تمامی پروتکل‌های مصاحبه شامل تهیه فرم‌ها، انتخاب مصاحبه‌شوندگان و ... رعایت شده‌اند. یافته‌های مصاحبه‌ها توسط دو گدگذار مستقل از هم بررسی شد، گدگذاران از بین دانشجویان دوره دکتری تخصصی حسابداری انتخاب شده‌اند. برای ارزیابی پایایی نتایج به دست آمده، از ضریب کاپا که به عنوان معیاری برای سنجش توافق بین دو گدگذار به کار می‌رود، استفاده گردید. پس از انجام محاسبات لازم، میزان توافقات مشاهده شده برابر با ۰/۸۱۱ برآورد شد و میزان توافقات شانسی برابر با ۰/۱۸۹ تعیین گردید. با جای‌گذاری این نتایج، مقدار نهایی کاپا به ۰/۷۶۶ رسید که بالاتر از سطح قابل قبول ۰/۶ محسوب و این موضوع بر صحت و قابلیت اعتماد نتایج تحقیق تاکید داشته و سبب اطمینان خاطر می‌شود. به عبارتی ضریب کاپا در سطح توافق خوب قرار دارد.

دلفی- فازی: پس از استخراج تم‌ها در مرحله نخست، مجدداً با استفاده از نظرات خبرگان جامعه آماری، یافته‌های احصاء شده وزن‌دهی شده و اولویت بندی صورت گرفت. این مرحله بر روی اطلاعات به دست آمده از مرحله‌ی تحلیل تم انجام شد و با تکنیک فازی مورد بررسی قرار گرفت تا ضمن تعیین وزن هر مؤلفه، روایی پژوهش نیز افزایش یابد. مراحل انجام تکنیک

فازی شامل گام‌های شش‌گانه زیر می‌باشد: گام اول: مشخص کردن کمترین مقدار از هر معیار به عنوان حداقل. گام دوم: مشخص کردن بیشترین مقدار هر معیار به عنوان حداکثر. گام سوم: محاسبه میانگین هندسی هر مؤلفه. گام چهارم: مشخص کردن عدد میانه. گام پنجم: محاسبه میانگین فازی با استفاده از روش میانگین فازی برای اعداد فازی ساخته شده در هر معیار. گام ششم: با مقایسه آستانه و میانگین فازی در وضعیتی که آستانه کوچکتر از میانگین فازی مؤلفه باشد، مؤلفه پذیرفته می‌شود.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان مصاحبه شونده

ردیف	شرح	جنسیت	کد	سمت / مرتبه دانشگاهی	آخرین مدرک تحصیلی	سن (سال)	سوابق کاری / تدریس (سال)	معیار انتخاب
۱	خبرگان دانشگاهی	مرد	E1۰۰	دانشیار	دکتری تخصصی	۵۰	۱۹	پژوهش، تدریس و آموزش در حوزه‌های حسابداری، گزارشگری مالی، بازار سرمایه و سیاست‌گذاری مالی
۲	"	"	E1۰۱	"	"	۴۰	۱۰	
۳	"	زن	E1۰۲	استادیار	"	۴۲	۱۲	
۴	"	"	E1۰۳	"	"	۴۶	۱۱	
۵	"	"	E1۰۴	"	"	۴۷	۱۵	
۶	خبرگان حرفه‌ای	مرد	E1۰۵	مدیر بانکی	دکتری تخصصی	۴۶	۱۶	مدیران و کارشناسان بانک مرکزی / حسابرسان مستقل / اعضای کمیته تدوین استانداردها / کارشناسان بازارهای مالی / مدیران مالی شرکت‌های صادراتی
۷	"	"	E1۰۶	"	کارشناسی ارشد	۴۰	۱۳	
۸	"	"	E1۰۷	کارشناس ارزی بانک	دکتری تخصصی	۴۱	۱۲	
۹	"	زن	E1۰۸	"	"	۴۷	۱۴	

ردیف	شرح	جنسیت	کد	سمت / مرتبه دانشگاهی	آخرین مدرک تحصیلی	سن (سال)	سوابق کاری/ تدریس (سال)	معیار انتخاب
۱۰	"	مرد	E1۰۹	اعضای کمیته تدوین استاندارد	کارشناسی ارشد	۴۵	۱۸	مدیران و کارشناسان بانک مرکزی / حسابرسان مستقل / اعضای کمیته تدوین استانداردها / کارشناسان بازارهای مالی / مدیران مالی شرکت های صادراتی
۱۱	"	زن	E1۱۰	"	"	۳۲	۱۱	
۱۲	"	زن	E1۱۱	کارشناس بازارهای مالی	"	۴۳	۱۵	
۱۳	"	"	E1۱۲	"	"	۴۰	۱۴	
۱۴	"	مرد	E1۱۳	مدیر مالی شرکت صادراتی	دکتری تخصصی	۴۴	۱۷	
۱۵	"	مرد	E1۱۴	مدیر حسابداری مدیریت	کارشناسی ارشد	۴۷	۱۷	
۱۶	"	مرد	E1۱۵	"	کارشناسی ارشد	۴۴	۱۶	

۴. یافته‌ها

بخش اول (تحلیل تم)

به منظور آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران از منظر حسابداری و گزارشگری مالی از دیدگاه خبرگان جامع آماری پژوهش، گذراری باز، محوری و انتخابی با استفاده از تکنیک تحلیل تم به عمل آمد. جدول (۲) به طبقه‌بندی مضامین مربوطه اختصاص دارد.

جدول ۲- طبقه بندی مضامین

کدگذاری انتخابی (تم اصلی)	کدگذاری محوری (زیرتم)/ زیرمقوله ها)	کدگذاری باز (کدهای مفهومی اولیه)	منبع (مصاحبه شونده)
ضعف چارچوب نظری و مقرراتی	خلاء در نظام استانداردگذاری	نبود استاندارد مستقل حسابداری رفع تعهد ارزی	E1۰۰, E1۰۲, E1۰۳, E1۰۴, E1۰۶, E1۰۷, E1۰۹, E1۱۱, E1۱۳, E1۱۵.
	عدم یکنواختی در تسعیر ارز	ابهام در نرخ های تسعیر (نیما، سنا، آزاد)	
	تنوع و ناسازگاری در رویه های حسابداری	تفاوت در نحوه شناسایی سود ارزی	
ناهماهنگی نهادی و مقرراتی	تعارض نهادی بین بانک مرکزی و نهادهای حرفه ای	تضاد بین بخشنامه های بانک مرکزی و استانداردها	E1۰۰, E1۰۱, E1۰۲, E1۰۳, E1۰۴, E1۰۵, E1۰۶, E1۰۷, E1۰۸, E1۰۹, E1۱۰, E1۱۱, E1۱۲, E1۱۳, E1۱۴, E1۱۶.
	نبود رهنمودهای حرفه ای	نبود دستورالعمل حسابرسی رفع تعهد ارزی	
	تفسیرهای چندگانه در ممیزی	برداشت های متفاوت حسابرسان از رفع تعهد ارزی	
ناکارآمدی گزارشگری مالی	ضعف شفافیت و افشا	گزارش های مالی بدون افشای کافی درباره ارز باگشتی	E1۰۱, E1۰۲, E1۰۴, E1۰۵, E1۰۶, E1۰۷, E1۰۸, E1۱۰, E1۱۱, E1۱۲, E1۱۴, E1۱۵.
	کاستی در محتوای گزارش های مالی	عدم افشای نرخ تسعیر، تاریخ برگشت ارز و سود/زیان ارزی	
چالش های اجرایی و عملیاتی	نبود نظارت دقیق و سامانه محور	استفاده از رویه های غیررسمی در رفع (تعهد) توافقی، صوری	E1۰۰, E1۰۱, E1۰۳, E1۰۴, E1۰۶, E1۰۷, E1۰۸, E1۰۹, E1۱۲, E1۱۳, E1۱۴.
	فقدان زیرساخت نظارتی کارآمد	نبود سامانه یکپارچه میان گمرک، بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و شرکت ها	
کاستی در آموزش و توانمندسازی	ضعف ظرفیت حرفه ای	عدم آموزش حسابداران و حسابرسان در حوزه ارز	E1۰۰, E1۰۱, E1۰۲, E1۰۴, E1۰۶, E1۰۷, E1۰۹, E1۱۰, E1۱۲, E1۱۴, E1۱۵.

تشریح چالش‌ها و آسیب‌های شناسایی شده

۱. ضعف در تدوین و یا به‌روزرسانی استانداردهای مرتبط با رفع تعهد ارزی

نبود استاندارد مستقل: تاکنون هیچ استاندارد حسابداری مستقلی که به‌طور خاص به نحوه شناسایی، ثبت، تسعیر و افشای ارزش بازگشتی ناشی از صادرات بپردازد، تدوین نشده است. ابهام در استفاده از نرخ ارز: شرکت‌ها در عمل از نرخ‌های مختلفی (نیمه، سنا، توافقی و آزاد) برای تسعیر ارزش صادراتی استفاده می‌کنند که موجب کاهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شده است. کاستی در افشای اطلاعات ارزی: در یادداشت‌های توضیحی شرکت‌ها، معمولاً اطلاعات ارزی به‌صورت تجمیعی یا مبهم افشا می‌شود. جزئیاتی مانند نرخ تسعیر، تاریخ برگشت ارز و تفاوت بین نرخ توافقی و نرخ ثبت‌شده ارائه نمی‌گردد. فقدان راهنمای حسابرسی: نهادهای ناظر (مانند سازمان حسابرسی) رهنمود یا دستورالعمل عملیاتی مشخصی برای حسابرسان در خصوص بررسی فرآیند رفع تعهد ارزی صادر نکرده‌اند.

۲. تضاد مقرراتی میان نهادها

تعارض بین استانداردهای حسابداری و مقررات ارزی: برای مثال، در حالی که مقررات بانک مرکزی بازگشت ارز حاصل از صادرات را الزامی می‌داند، استانداردهای حسابداری تمرکز چندانی بر فرآیند بازگشت ارز و زمان تحقق درآمد ارزی ندارند. تغییر مکرر بخشنامه‌های ارزی: بخشنامه‌های متناقض و متعدد بانک مرکزی منجر به ابهام در زمان و نحوه ثبت درآمدهای ارزی شده است. عدم همگرایی بین دستگاه‌ها: گمرک، بانک مرکزی، سازمان مالیاتی و شرکت‌ها دارای برداشت‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی مجزایی هستند که موجب ایجاد اختلافات حقوقی و حسابداری می‌شود.

۳. چالش‌های اجرایی در شرکت‌های صادرات محور

رویه‌های غیر یکنواخت در ثبت عملیات ارزی: برخی شرکت‌ها ارزش دریافتی را به‌عنوان درآمد شناسایی می‌کنند، در حالی که برخی دیگر آن را به‌عنوان تعدیل در حساب‌های دریافتی ثبت می‌کنند. استفاده از نرخ توافقی غیرقابل ردیابی: ارزش بازگشتی بعضاً با نرخ‌های توافقی و خارج از سامانه نیمه تسعیر می‌شود، اما نرخ ثبت‌شده در حسابداری صراحت ندارد. ریسک‌های

مربوط به صادرات صوری و رفع تعهد صوری: در برخی موارد، صادرات غیرواقعی یا صوری برای اهداف رفع تعهد ارزی صورت می‌گیرد که در صورت‌های مالی شناسایی نمی‌شود و حسابرس نیز مستنداتی برای بررسی صحت آن ندارد.

تحلیل شکاف‌های نهادی و بین‌المللی

۱. ناهماهنگی با استانداردهای بین‌المللی (آثار تغییر در نرخ ارز)

استاندارد بین‌المللی ۲۱ به‌صراحت فرآیند تسعیر معاملات ارزی و تبدیل ارزش‌های عملکردی را بیان می‌کند، اما در استانداردهای حسابداری ایران (استاندارد ۱۶) محدودیت‌هایی نظیر موارد زیر وجود دارد: عدم پوشش نرخ‌های چندگانه ارز، بی‌توجهی به شرایط بازار غیررسمی یا نیمه‌رسمی ارز، نبود الزام افشای حساسیت سود به نوسانات ارزی.

۲. فقدان سیستم‌های پشتیبان برای یکپارچگی داده‌های ارزی

عدم تبادل مستقیم داده بین سامانه‌های بانک مرکزی، سامانه جامع گمرک، سامانه امور مالیاتی، سامانه ارز نیمایی و سامانه‌های مالی شرکت‌ها، زمینه‌ساز اختلافات گسترده در ثبت و پیگیری تعهدات ارزی شده است. این امر موجب رسوب پرونده‌های بی‌شماری در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی شده است.

۳. پیامدهای گزارشگری مالی

افزایش ریسک تحریف اطلاعات مالی: تفاوت در نحوه تسعیر ارز باعث تغییر در سود یا زیان عملیاتی می‌شود؛ تضعیف قابلیت اتکای صورت‌های مالی: نبود چارچوب مشخص برای افشای ارز بازرگانی، تحلیل وضعیت نقدینگی شرکت‌ها را دچار مشکل می‌کند؛ افزایش احتمال تضاد منافع میان شرکت‌ها، حساب‌برسان و سازمان امور مالیاتی، ایجاد زمینه برای فرار مالیاتی یا تخمین نادرست بدهی‌های مالیاتی شرکت‌ها.

راه‌کارهای اصلاحی

- **راه‌کارهای اصلاحی در حوزه تدوین استانداردهای حسابداری:** تدوین استاندارد حسابداری مستقل با عنوان «شناسایی، اندازه‌گیری و افشای عملیات رفع تعهد ارزی» تحت نظر سازمان حسابرسی و با مشارکت بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، اتاق بازرگانی و انجمن حسابداران خبره. اصلاح استاندارد حسابداری شماره ۱۶ (تسعیر ارز) و افزودن بندهایی درباره نرخ‌های چندگانه ارزی و نحوه برخورد حسابداری با ارزشهای بازگشتی از محل صادرات. الزام به افشای تفصیلی در صورت‌های مالی درباره نرخ‌های تسعیر، تاریخ رفع تعهد، نوع ارز، و محل مصرف ارز برگشتی.
- **راه‌کارهای اصلاحی در حوزه نظارتی:** یکپارچه‌سازی مقررات ارزی بانک مرکزی با چارچوب استانداردهای حسابداری به‌منظور جلوگیری از تفسیرهای متضاد. ایجاد سامانه جامع اطلاعات ارزی بین گمرک، بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و شرکت‌های صادرکننده برای تبادل داده‌های رفع تعهد. تثبیت بخشنامه‌های ارزی و کاهش تغییرات مکرر و متناقض.
- **راه‌کارهای اصلاحی در حوزه حسابرسی و افشاء:** تدوین دستورالعمل کاربردی برای حسابرسان جهت بررسی عملیات رفع تعهد ارزی، همراه با چک‌لیست‌های ممیزی. ایجاد الزام قانونی برای شرکت‌ها جهت افشای ریسک‌های مربوط به نوسانات ارزی و عدم بازگشت ارز صادراتی در یادداشت‌های همراه. ارائه مثال‌های کاربردی در صورت‌های مالی نمونه جهت افزایش همگرایی در نحوه افشای اطلاعات ارزی.
- **راه‌کارهای اصلاحی در حوزه آموزش:** برگزاری دوره‌های تخصصی برای مدیران مالی و حسابداران درباره نحوه ثبت، تسعیر و افشای عملیات رفع تعهد ارزی. آموزش حسابرسان در خصوص ابزارهای تحلیل نرخ ارز، منابع معتبر نرخ، و رویه‌های رسیدگی به معاملات ارزی. تهیه راهنماهای آموزشی توسط نهادهای حرفه‌ای مانند انجمن حسابداران خبره ایران. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که رفع تعهد ارزی به دلیل ماهیت چندبُعدی خود (اقتصادی، ارزی، حقوقی و حسابداری) نیازمند برخوردی یکپارچه و تخصصی است. بدون تدوین استاندارد حسابداری اختصاصی، خطر تحریف صورت‌های مالی، ناهماهنگی با نهادهای ناظر و کاهش شفافیت مالی ادامه خواهد داشت.

بخش دوم (دلفی- فازی)

با توجه به مؤلفه‌های اکتشافی از مرحله تحلیل تم، پرسشنامه دلفی فازی با هدف تعیین غربالگری و وزن هر مؤلفه طراحی و مجدداً در بین خبرگان جامعه آماری که ۱۶ نفر می‌باشند، توزیع شد و از آنها خواسته شد که نسبت به مقوله‌های به دست آمده اظهار نظر کنند. این پرسشنامه شامل ۱۱ پرسش کلیدی می‌باشد. اهمیت هریک از سوال‌ها به وسیله هفت طیف درج شده در جدول (۳) مورد ارزیابی قرار گرفت. نحوه امتیازدهی به مقادیر قطعی توسط اعداد فازی مثلثی به شکلی که در جدول (۳) آمده است، صورت می‌گیرد. خلاصه نتایج حاصل از این نظرخواهی در جدول (۴) آورده شده است.

برای دی فازی سازی میانگین عدد فازی از رابطه (۱) استفاده می‌کنیم:

(۱)

$$s_j = \frac{aj + bj + cj}{3}$$

$$j = ۱, ۲, ۳, \dots, m$$

در پایان کار برای پذیرش و یا رد هر یک از مؤلفه‌ها، مرزی را مانند a در نظر می‌گیریم. در این پژوهش با توجه به اصل هفتاد به سی، مرز قابل قبول بودن مؤلفه عدد $۷/۰$ است (هسو و همکاران، ۱، ۲۰۱۶). یادآوری می‌کنیم که در این مطالعه برای بیان اهمیت هر مؤلفه از اعداد فازی مثلثی که در جدول (۳) آمده است، استفاده شده است. اعداد فازی مثلثی بیشترین کاربرد را نسبت به سایر اعداد فازی دارند.

جدول ۳- عبارات زمانی و اعداد فازی مربوطه

عبارات زمانی	بدون اهمیت	اهمیت خیلی کم	اهمیت متوسط	اهمیت زیاد	اهمیت خیلی زیاد	اهمیت فوق العاده زیاد
اعداد فازی مثلثی	(۱-۰-۰)	(۳-۱-۰)	(۵-۳-۱)	(۷-۵-۳)	(۹-۷-۵)	(۱۰-۹-۷)

جدول ۴- میانگین دیدگاه‌های خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای

وضعیت	دی فازی	میانگین فازی مثلثی			مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
پذیرش	۸,۲۷	۷,۰۰	۸,۵۰	۹,۳۱	خلاء در نظام استانداردگذاری	ضعف چارچوب نظری و مقرراتی
پذیرش	۷,۶۳	۶,۳۱	۷,۸۱	۸,۷۵	عدم یکنواختی در تسعیر ارز	
پذیرش	۸,۷۵	۷,۵۰	۹,۰۰	۹,۷۵	تنوع و ناسازگاری در رویه‌های حسابداری	
پذیرش	۸,۵۲	۷,۱۳	۸,۷۵	۹,۶۹	تعارض نهادی بین بانک مرکزی و نهادهای حرفه‌ای	ناهماهنگی نهادی و مقرراتی
پذیرش	۷,۵۶	۵,۸۸	۷,۷۵	۹,۰۶	نبود رهنمودهای حرفه‌ای	
پذیرش	۷,۵۲	۶,۳۱	۷,۶۹	۸,۵۶	تفسیرهای چندگانه در ممیزی	
پذیرش	۷,۵۶	۵,۸۸	۷,۷۵	۹,۰۶	ضعف شفافیت و افشا	ناکارآمدی گزارشگری مالی
پذیرش	۷,۵۰	۶,۰۶	۷,۶۹	۸,۷۵	کاستی در محتوای گزارش‌های مالی	
پذیرش	۷,۵۲	۶,۳۱	۷,۶۹	۸,۵۶	نبود نظارت دقیق و سامانه محور	چالش‌های اجرایی و عملیاتی
پذیرش	۷,۹۸	۶,۶۳	۸,۱۹	۹,۱۳	فقدان زیرساخت نظارتی کارآمد	
پذیرش	۷,۵۶	۵,۸۸	۷,۷۵	۹,۰۶	ضعف ظرفیت حرفه‌ای	کاستی در آموزش و توانمندسازی

منبع؛ یافته‌های پژوهش

یافته‌های به دست آمده از بخش اول پژوهش، با هدف غربالگری و افزایش روایی و پایایی پژوهش، با استفاده از پرسشنامه دلفی در اختیار خبرگان جامعه آماری پژوهش قرار گرفت تا از این طریق مجدداً مورد آزمون و اجماع واقع گردد. یافته‌های این بخش که با پذیرش کلیه

مضامین و مؤلفه‌ها به دست آمده همراه بود، نشان می‌دهد که تمامی مضامین از روایی خوبی برخوردار هستند. بنابراین یافته‌های نهایی از آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران از منظر حسابداری و گزارشگری مالی از نگاه خبرگان جامعه آماری نشان می‌دهد که تنوع و ناسازگاری در رویه‌های حسابداری، خلاء در نظام استانداردگذاری، تعارض نهادی بین بانک مرکزی و سایر نهادهای حرفه‌ای و فقدان زیرساخت نظارتی کارآمد از مهمترین آسیب‌های موجود به شمار می‌روند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی فرآیند استانداردگذاری رفع تعهد ارزی در ایران از منظر حسابداری و گزارشگری مالی به اجرا درآمد. فرآیند رفع تعهدات ارزی در ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی در کنترل بازار ارز، نیازمند زیرساخت‌های حرفه‌ای، نهادی و اطلاعاتی دقیق و شفاف است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در غیاب استانداردهای حسابداری و دستورالعمل‌های حرفه‌ای مشخص برای شناسایی، تبدیل، ثبت و افشای ارزش حاصل از صادرات، شرکت‌ها با تفاسیر و رویه‌های متفاوتی مواجه می‌شوند که منجر به ناهماهنگی در گزارشگری مالی، کاهش قابلیت اتکای اطلاعات و اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و نهادهای نظارتی می‌شود. همچنین، تضاد بین الزامات بانک مرکزی و اصول پذیرفته‌شده حسابداری، هماهنگی ضعیف بین نهادهای سیاست‌گذار و فقدان یک سیستم نظارتی جامع، از چالش‌های اساسی در این حوزه محسوب می‌شوند. این کاستی‌ها باعث شده است که فرآیند رفع تعهدات ارزی نه تنها با موانعی در دستیابی به اهداف کلان اقتصادی مواجه باشد، بلکه منجر به ریسک‌های گزارشگری و حسابرسی در سطح شرکت نیز گردد. بنابراین، آسیب‌شناسی جامع این فرآیند و شناسایی مضامین کلیدی مانند چارچوب نظری ضعیف، ناهماهنگی نهادی، گزارشگری مالی ناکارآمد، چالش‌های اجرایی و آموزش حرفه‌ای ضعیف، نشان‌دهنده لزوم بازنگری جدی در نظام تدوین استانداردهای مرتبط با رفع تعهد ارزی است. این پژوهش با ارائه راه‌کارهای اصلاحی از منظر حرفه حسابداری، بستر مناسبی را برای تدوین سیاست‌های مؤثر، تقویت شفافیت مالی و بهبود کارایی فرآیند رفع تعهدات ارزی فراهم می‌کند.

پیشنهادات

کاربردی

پیشنهاد اصلی این پژوهش برای سیاست‌گذاران حوزه ارزی (بانک مرکزی، سازمان حسابرسی، وزارت اقتصاد) است تا نسبت به تدوین و ابلاغ استاندارد حسابداری اختصاصی برای ثبت و افشای فرآیند رفع تعهد ارزی، با همکاری سازمان حسابرسی، بانک مرکزی و نهادهای حرفه‌ای اقدام ورزند. بنابراین ضروری است تا اقدامات ذیل به ترتیب اجراء شود تا یک نظام مالی-حسابداری واحد و منسجم برای این موضوع شکل گیرد:

- ایجاد سامانه جامع رفع تعهد ارزی برای رصد هم‌زمان عملکرد شرکت‌ها با اتصال اطلاعات گمرک، بانک‌ها، سازمان امور مالیاتی، سامانه جامع تجارت و شرکت‌های صادراتی تشکیل شود.
- طراحی راهنماهای کاربردی جهت ثبت، شناسایی و افشای معاملات ارزی و نحوه رفع تعهد در انواع نرخ‌ها (نیما، آزاد، توافقی) برای حرفه حسابداری و حسابرسی با هدف یکسان‌سازی رویه‌ها.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای حسابداران، حسابرسان و مدیران مالی در زمینه حسابداری ارزی و رفع تعهد صادراتی.

پژوهشی

- بررسی اثر استانداردگذاری رفع تعهد ارزی بر قیمت سهام و تصمیمات سرمایه‌گذاران در صنایع مختلف. پژوهش حاضر بر تحلیل آسیب‌شناسانه فرآیند استانداردگذاری تمرکز داشته و اثرات اقتصادی و مالی بلندمدت آن را بررسی نکرده است.
- مطالعات تطبیقی بین ایران و کشورهای با سیستم ارزی مشابه (مثل ترکیه و نیجریه) در زمینه اجرای استانداردهای حسابداری ارزی. پژوهش حاضر محدود به ایران بوده و تحلیل تطبیقی عمیق با کشورهای دیگر انجام نشده است.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱). دستورالعمل‌های رفع تعهد ارزی. تهران: اداره سیاستها و مقررات ارزی. دریافت شده از [aspx.۳۳۵۴/https://cbi.ir/datedlist](https://cbi.ir/datedlist.aspx.۳۳۵۴)
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). بخشنامه‌ها و ضوابط بازگشت ارز حاصل از صادرات. دریافت شده از [aspx.۳۳۵۴/https://cbi.ir/datedlist](https://cbi.ir/datedlist.aspx.۳۳۵۴)
- حاجی‌رضایی، ق.، پورابراهیمی، ع.، آریا، ک.، و طلوعی‌اشلقی، ع (۱۴۰۳). بررسی اثرات متقابل سیاستهای ارزی بانک مرکزی (نرخ ارز) بر متغیرهای کلان اقتصادی با رویکرد تحلیل دینامیکی. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۷(۶۴)، ۱-۱۷.
- حسن‌زاده، ا.، حیدری، ح.، شهبازی، ک.، و محسنی‌زنوزی، س. ج (۱۴۰۰). تحلیل چندبعدی از نرخ ارز و نااطمینانی آن در پویایی رشد اقتصادی ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۵۶(۲)، ۲۹۱-۳۲۳. <https://doi.org/10.22059/jte/1008419.3172221008419>
- حیدری، ح.، و احمدزاده، ع (۱۳۹۴). تغییرات نرخ ارز و اثر آن بر زنجیره قیمت‌ها در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۹(۷۴)، ۱-۳۸.
- خیراله پورسرائی، م.، حاجی، غ.، و فطرس، م (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نااطمینانی نرخ ارز و نرخ تورم بر درآمدهای مالیاتی در ایران. پژوهشنامه مالیات، ۲۹(۵۲)، ۱۰۹-۱۳۰. <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.29.52.109>
- کاویانی، ز.، فامیل محمدی، م. م.، و بیرجندی، م. ص (۱۴۰۳). مروری بر چالشهای تعیین ارزش کالاهای صادراتی. ماهنامه گزارشهای کارشناسی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۳۲(۸)، ۲۰۱۶۵. <https://doi.org/10.22034/report.mrc/1022034.20165.32.8.20165>
- مرادی، م.، و احمدی، ن (۱۴۰۳). تأثیر تغییرات نرخ ارز بر عملکرد شرکتهای صادراتی و وارداتی. دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران. شیرعالی، س.، عبدالرحیمی، م.، و آزموده، ب (۱۴۰۱). تعهدات ارزی، علل و راه‌کارهای حقوقی برونرفت از عدم ایفای تعهد. دوفصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۲)، ۵۷۵-۵۹۴.
- قزلباش، م.، و زمانی، م. ع (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بحرانهای ارزی با تأکید بر بحران ارزی سال ۱۳۹۷. فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۱۱(۴۳)، ۷۹-۱۱۴. <https://doi.org/10.22034/es/1022034.201575.11.43.79>
- راعی، ر.، حسن‌زاده، پ.، و بایزیدی، ا (۱۳۹۶). بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر میزان سودآوری شرکتهای صادراتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۹(۳۵)، ۵-۲۰.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (2022). Instructions for the elimination of foreign exchange commitment. Tehran: Department of Foreign Exchange Policies and Regulations. [In Persian]

- Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (2023). Circulars and regulations for the return of foreign exchange from exports. [In Persian]
- Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach*. Boston: Pitman.
- Hajirezaei, G. A., Pourabrahimi, A. R., Aria, K., & Toloei Ashlaghi, A. (2024). Examining the interaction effects of Central Bank foreign exchange policies on macroeconomic variables with a dynamic analysis approach. *Financial Science of Securities Analysis*, 17(64), 1–17. [In Persian]
- Hassanzadeh, A., Heidari, H., Shahbazi, K., & Mohseni Zonouzi, S. J. (2021). Multidimensional analysis of the exchange rate and its uncertainty in the dynamics of Iran's economic growth. *Journal of Economic Research*, 56(2), 291–323. <https://doi.org/10.22059/jte.2021.317222.1008419>
- Heydari, H., & Ahmadzadeh, A. (2015). Exchange rate pass-through in pricing chain in Iran. *Iranian Journal of Trade Studies*, 19(74), 1–38.
- Ighosewe, E. (2022). Accounting information and value relevance: A quinquennial comparison of pre- and post-IFRS adoption of listed firms in Nigeria and South Africa. *Modern Economy*, 13, 1006–1023. <https://doi.org/10.4236/me.2022.137053>
- International Federation of Accountants (IFAC). (2023). *Guidance on currency accounting in high-volatility environments*.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- Kaviani, Z., Famil Mohammadi, M. M., & Birjandi, M. S. (2024). A review of the challenges of determining the value of exported goods. *Monthly Journal of Expert Reports of the Islamic Consultative Assembly Research Center*, 32(8), 20165. <https://doi.org/10.22034/report.mrc.2024.1403.32.8.20165> [In Persian]
- Kheirollahporsaraee, M., Haji, G., & Fotros, M. (2022). Investigating the impact of exchange and inflation rates uncertainties on tax revenues in Iran. *Journal of Tax Research*, 29(52), 109–130. <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.29.52.109> [In Persian]
- Mirzaei, A., & Saeedi, A. (2023). Currency shocks, accounting transparency and the cost of equity capital: Evidence from Iran. *Emerging Markets Review*, 54, 100897. <https://doi.org/10.1016/j.ememar.2022.100897>
- Moradi, M and Ahmadi, N, (2014), The effect of exchange rate changes on the performance of exporting and importing companies, Second International Conference on Law, Management, Educational Sciences, Psychology and Educational Planning Management, Tehran. [In Persian]
- Posner, R. A. (1974). Theories of economic regulation. *The Bell Journal of Economics and Management Science*, 5(2), 335–358.
- Qezelbash, M., & Zamani, M. A. (2022). Pathology of the currency market management

- mechanisms by the Central Bank of Iran in currency crises. *Economic Strategy*, 11(43), 79–114. <https://doi.org/10.22034/es.2023.338702.1575> [In Persian]
- Raei, R., Hasanzade, P., & Bayazidi, A. (2017). The impact of exchange rate fluctuations on profitability of listed export companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 9(35), 5–20. [In Persian]
- Shiraali, S., Abdolrahimi, M., & Azmoudeh, B. (2018). Foreign exchange obligations, causes and legal solutions for non-fulfillment of obligations. *Bi-Quarterly Journal of Jurisprudential Fundamentals of Islamic Law*, 15(2), 575–594. [In Persian]
- Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20(3), 571–610.
- Terzi, S., Oktem, R., & Sen, I. K. (2013). Impact of adopting International Financial Reporting Standards: Empirical evidence from Turkey. *International Business Research*, 6(4), 55–66. <https://doi.org/10.5539/ibr.v6n4p55>
- Zeff, S. A. (2002). 'Political' lobbying on proposed standards: A challenge to the IASB. *Accounting Horizons*, 16(1), 43–54. <https://doi.org/10.2308/acch.2002.16.1.43-54>

